خبر

رئیس جمهور:

## مذاکرات اخیر نشانه‌های امیدوارکننده‌ای داشت

رئیس جمهور در پیامی به زبان انگلیسی در شبکه اجتماعی ایکس با تاکید بر این‌که جمهوری اسلامی ایران به صلح و ثبات در منطقه متعهد است، تصریح کرد: مذاکرات اخیر شامل تبادل پیشنهادهای عملی بود و نشانه‌های امیدوارکننده‌ای به همراه داشت.

دکتر مسعود پزشکیان تاکید کرد: بااین حال، ما همچنان اقدامات آمریکا را به‌دقت زیر نظر داریم و تمام تمهیدات لازم برای هر سناریوی احتمالی را اندیشیده‌ایم.

همزمان و در حالی که دور دیگری از مذاکرات هسته‌ای در روز پنجشنبه در ژنو نزدیک می‌شویم، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا ویدئویی از مارک لوین تحلیلگر فاکس نیوز را در صفحه خود شبکه اجتماعی خود بازنشر کرد که در آن تاکید شده اگر مقابل ایران عقب‌نشینی انجام شود، ممکن است در بلندمدت اهداف و برنامه هسته‌ای خود را دنبال کند.لوین در این ویدئو خواستار «تغییر رژیم» ایران شده است.در همین حال اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه کشورمان در نشست هفتگی خود با خبرنگاران درباره احتمال توافق موقت گفت: گمانه‌زنی درباره نحوه و محتوای مذاکرات زیاد است اما هیچ‌کدام از اینها را ما تایید نمی‌کنیم و جزئیات مذاکرات از جمله درباره توافق موقت هیچ مبنایی ندارد. تدوین هر متن مذاکراتی یک کار مشترک است. دیدگاه ما درباره خاتمه تحریم‌های آمریکا و مباحث هسته‌ای روشن است و از دیدگاه طرف آمریکایی هم مطلع هستیم.

## پیام تسلیت رئیس جمهور و فرمانده سپاه در پی درگذشت مادر حاج احمد متوسلیان

رئیس جمهور در پیامی با تسلیت درگذشت مادر بزرگوار سردار جاویدالاثر حاج‌احمد متوسلیان، برای آن اسوه صبر و ایمان علو درجات و هم‌نشینی با صالحان و برای بازماندگانش تسلی خاطر مسألت کرد.در بخشی از پیام مسعود پزشکیان آمده است: درگذشت حاجیه خانم معصومه حسین‌زاده، مادر بزرگوار سردار جاویدالاثر حاج‌احمد متوسلیان را به خاندان معزز متوسلیان و عموم بستگان آن مرحومه تسلیت می‌گویم.این مادر فداکار، بیش از چهار دهه چشم‌انتظار فرزند دلیری بود که نامش با عزت و مجاهدت در تاریخ این سرزمین به‌ویژه در دوران دفاع‌مقدس پیوند خورده است.همچنین سرلشکر پاسدار محمد پاکپور، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با صدور پیامی ضمن تسلیت والده مکرمه سردار متوسلیان تصریح کرد: این مادر صبور، سالیان متمادی با ایمانی راسخ وقلبی آکنده از امید، رنج فراق فرزند مجاهد و انقلابی خویش را تحمل کرد و با صبری زینبی، جلوه‌ای ماندگار از استقامت و وفاداری به آرمان‌های انقلاب اسلامی را به نمایش گذاشت.

رئیس قوه قضاییه:

## رئیس جمهور بی‌مایه آمریکا بداند ایرانی‌ها تسلیم نمی‌شوند

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای دیروز طی سخنانی در نشست شورای‌عالی قوه قضاییه با اشاره به تهدیدات مستمر و ممتد رئیس جمهور آمریکا گفت: رئیس جمهور بی‌مایه و پست و سفله آمریکا باید بداند مردم ایران اسلامی شاگردان مکتب قرآن و اسلام ناب هستند و با این قبیل لشکرکشی‌ها و تهدیدات نظامی نه می‌ترسند و تسلیم می‌شوند و نه از حقوق و عزت و کرامت‌شان عقب می‌نشینند. بالعکس این تهدیدات سبب انسجام و وحدت بیشتر مردم ایران در برابر مستکبران و عنودان می‌شود. رئیس قوه قضاییه تصریح کرد: چنانچه آمریکا یا رژیم صهیونیستی حماقت کنند و برمبنای محاسبات و برآوردهای غلطی که از ناحیه برخی معاندین و وطن‌فروشان به آنها می‌رسد، بخواهند ضربه‌ای را به ملت ایران وارد کنند، اطمینان داشته باشند که پاسخی کوبنده و ضربه سنگین‌تری را دریافت خواهند کرد. رئیس دستگاه قضا در ادامه به مقوله مبارزه با فساد پرداخت و گفت: امروز به‌واسطه شیطنت‌ها و عملیات روانی پردامنه دشمن باید بیش از پیش به مقوله مبارزه با فساد در ساحت‌های مختلف اعم از فساد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مسائل ضدامنیتی توجه کنیم. معنای مبارزه با فساد نیز فقط بگیر و ببند و حبس نیست. این یک بخش از مقوله مبارزه با فساد است. لکن آن بخش و مقوله‌ای که مهم‌تر است، شناسایی گلوگاه‌ها، ریشه‌ها و زمینه‌های فساد و انسداد آنها و اتخاذ شیوه‌های عالمانه برای جلوگیری از رویش و ایجاد منافذ فساد است.

دانشجویان با حضور پرشور و به‌موقع در مقابل اقلیت پرهیاهو و حاشیه‌ساز مانع غلبه روایت دشمن از جنبش دانشجویی شدند

# دانشگاه انقلابی می‌ماند



چهلم شهدای حوادث ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه، قرار بود صحن دانشگاه را به مجلسی برای سوگواری و بازخوانی یک زخم ملی تبدیل کند؛ زخمی که هنوز در حافظه جامعه تازه است اما آنچه در روزهای گذشته در دانشگاه‌های تهران رخ داد، تنها یک مراسم یادبود نبود؛ میدان تقابل دو قرائت از «جنبش دانشجویی» بود. یک سوی ماجرا، بدنه‌ای از دانشجویان که با پرچم ایران، اقامه نماز جماعت و همخوانی سرودهای ملی، دانشگاه را سنگر هویت و استقلال دانستند؛ و سوی دیگر، اقلیتی که در برخی موارد با فحاشی، شعارهای ساختارشکنانه، توهین به نمادهای ملی و حتی استفاده از سلاح سرد، کوشیدند صحن دانشگاه را به آوردگاه خشونت بدل کنند.

### صحن دانشگاه‌های تهران؛ از سوگواری تا تقابل

در روزهای گذشته، دانشگاه‌هایی چون دانشگاه تهران، دانشگاه صنعتی شریف، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، دانشگاه الزهرا (س) و دانشگاه علم و صنعت ایران شاهد تجمع‌هایی بودند که با محوریت بزرگداشت شهدای فتنه اخیر شکل گرفت. فضای غالب این مراسم‌ها، فضایی سوگوارانه و در عین حال هویتی بود؛ دانشجویان با در دست داشتن پرچم جمهوری اسلامی ایران، اقامه نماز ظهر و عصر در ماه رمضان و همخوانی سرود «در روح و جان من می‌مانی ای وطن»، بر پیوند دانشگاه با هویت ملی و انقلابی تأکید کردند.

در دانشگاه صنعتی شریف، گروهی از دانشجویان با لباس خادمی و با شعار «با من لباس نوکری‌ام را کفن کنید» ارادت خود را به ساحت امام حسین(ع) ابراز کردند و در کنار آن، مواضع صریحی علیه سیاست‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی گرفتند. در امیرکبیر، پرچم ایران بر بلندترین نقطه دانشگاه برافراشته شد و نماز جماعت در سردر دانشگاه اقامه شد. در دانشگاه تهران نیز تجمعی با مجوز در کنار قبور شهدای گمنام برگزار شد.

### اقلیت پرهیاهو؛ وقتی اعتراض به خشونت می‌لغزد

اما در کنار این مراسم‌ها، تجمع‌های دیگری نیز تشکیل شد که از چارچوب اعلام‌شده اولیه فاصله گرفت. در دانشگاه تهران، مقابل دانشکده فنی و کتابخانه مرکزی، شعارهایی با جهت‌گیری‌های سلطنت‌طلبانه شنیده شد؛ شعارهای ارتجاعی و عجیب که در حمایت از دیکتاتوری پهلوی سرداده می‌شد. در دانشگاه الزهرا(س)، معدودی در یک اقدام مذبوحانه تلاش کردند پرچم جمهوری اسلامی ایران را آتش بزنند، اقدامی که بلافاصله با واکنش به‌موقع سایر دانشجویان مواجه شد و آنان با تجمعی اعتراضی، نسبت به این هتک حرمت اعلام انزجار کردند.

در دانشگاه صنعتی امیرکبیر، برخی گزارش‌ها از درگیری فیزیکی و پرتاب بطری و اشیای سخت حکایت داشت که به آسیب‌دیدگی چند دانشجو انجامید. در دانشگاه صنعتی شریف نیز خبر کشف سلاح سرد از یکی از دانشجویان واکنش برانگیز شد. تصاویری از پرتاب سنگ، بطری و آسیب به اموال دانشگاه در فضای مجازی بازنشر شد؛ تصاویری که نشان می‌داد مرز اعتراض مدنی و خشونت، در برخی نقاط شکسته شده است به‌خصوص آن‌که شعارهای توهین‌آمیز و فحاشی حرف رایج این گروه کوچک بود.

اینجاست که یک تفکیک مهم خود را نشان داد. «اعتراض» به‌عنوان حق دانشجو در چارچوب قانون و «خشونت» به‌عنوان عبور از خطوط قرمز دانشگاه، همواره مورد تاکید بوده است. معاون فرهنگی دانشگاه تهران صراحتا اعلام کرد که دانشگاه از اعتراض در چارچوب قانون حمایت می‌کند اما در صورت کشیده‌شدن تجمعات به خشونت، هیچ حمایتی از متخلفان صورت نخواهد گرفت. این موضع، بازتاب همان مرزی است که بدنه اصلی دانشجویان نیز بر آن تأکید داشتند.

### ۱۶ آذر؛ حافظه‌ای که نباید تحریف شود

نکته کلیدی در تحلیل این رخدادها، نسبت آن با سنت تاریخی جنبش دانشجویی است. ۱۶ آذر ۱۳۳۲، با شهادت سه دانشجو در اعتراض به استبداد پهلوی و وابستگی به بیگانگان، به نماد اعتراض ضدسلطه در دانشگاه بدل شد. جنبشی که از دل آن متولد شد، ماهیتی ضداستکباری داشت و دانشگاه را سنگر استقلال می‌دانست.

امروز اما طرح شعارهایی در حمایت از ساختار سیاسی وابسته و دیکتاتوری برای بسیاری از دانشجویان و تحلیلگران، نه صرفا یک موضع سیاسی بلکه نشانه‌ای از گسست در انتقال حافظه تاریخی است. نسلی که دهه ۳۰ را ندیده و انقلاب را تجربه نکرده، شناخت خود را عمدتا از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی می‌گیرد؛ فضایی که در آن رقابت روایت‌ها شدید و گاه تحریف‌آمیز است.

در برابر این تحریف، بدنه‌ای از دانشجویان با تأکید بر «تحریف نشدن تاریخ» واکنش نشان دادند و اعلام کردند که ۱۶ آذر نماد اعتراض به استبداد و وابستگی بود و اجازه نخواهند داد باردیگر آمریکا و رژیم صهیونیستی برای کشور بزرگ ایران تصمیم‌گیری نمایند.

### عملیات رسانه‌ای و تکذیب روایت‌های امنیتی

همزمان با تجمعات، برخی رسانه‌های معاند با انتشار تصاویری مدعی حضور یگان ویژه در دانشگاه‌ها شدند؛ ادعایی که از سوی دانشجویان حاضر و مسئولان دانشگاه تکذیب شد. گزارش‌های میدانی نشان می‌داد نیروهای نظامی در داخل دانشگاه‌ها حضور نداشتند و مدیریت فضا برعهده انتظامات و مسئولان دانشگاه بود. برخی منابع دانشگاهی حتی از استفاده از تصاویر تولیدشده با هوش مصنوعی برای بازنمایی دانشگاه به‌عنوان صحنه سرکوب و القای فضای امنیتی خبر دادند.این تقابل روایت‌ها، نشان داد که مسأله امروز دانشگاه تنها سیاسی نیست؛ بلکه بیش از هر چیز، نزاع بر سر «تصویر دانشگاه» است. دانشگاه به‌عنوان نهاد علم و فرهنگ یا دانشگاه به‌عنوان صحنه آشوب؟

### اکثریت خاموش اما مؤثر

آنچه در میان این هیاهو کمتر دیده شد، حضور اکثریتی بود که نه فحاشی کردند، نه چاقو کشیدند، نه به پرچم توهین کردند. آنان سوگواری کردند، نماز خواندند، سرود ملی خواندند و پرچم ایران را بالا بردند. همین اکثریت بود که در مواردی با ایستادن مقابل رفتارهای توهین‌آمیز، مرز خود را با خشونت روشن کرد. تفکیک «اعتراض» از «اهانت»، و «نقد» از «خشونت»، پیام اصلی این روزهای دانشگاه بود. دانشجو می‌تواند منتقد باشد، مطالبه‌گر باشد، حتی معترض باشد؛ اما وقتی اعتراض به توهین به پرچم، تصاویر شهدا یا استفاده از سلاح سرد می‌رسد، دیگر از دایره کنش مدنی خارج شده است.

### دانشگاه؛ نهاد علم یا بستر پروژه‌سازی؟

رخدادهای اخیر نشان داد دانشگاه همچنان زنده است؛ محل تضارب آرا و بروز احساسات نسل جوان اما همین رخدادها هشدار داد که اگر بازخوانی مستند تاریخ معاصر و تقویت گفت‌وگوی عقلانی در محیط‌های علمی جدی گرفته نشود، میدان به روایت‌های سطحی و هیجانی واگذار خواهد شد.دانشگاه از ۱۶ آذر تا امروز، همواره سنگر استقلال و مقاومت در برابر سلطه خارجی بوده است. آنچه در این روزها رخ داد، بیش از آن‌که صرفا یک تجمع دانشجویی باشد، آزمونی برای هویت دانشگاه بود. آزمونی که در آن، با وجود تلخی برخی صحنه‌ها، پرچم همچنان بالا ماند و اکثریت دانشجویان نشان دادند که می‌توان هم معترض بود و هم مؤدب؛ هم مطالبه‌گر بود و هم پای کار ایران.

یادداشت

دکتر محمدصادق کوشکی | استاد دانشگاه

## تنزل یک هویت ضداستعماری

در روزهای گذشته، برخی تحولات در تعدادی از دانشگاه‌های کشور رخ داد که بازتاب‌های متفاوتی در فضای رسانه‌ای و سیاسی به دنبال داشت. در حالی که برخی رسانه‌های معاند تلاش کردند با بزرگنمایی، تصویری فراگیر از این رخدادها ارائه دهند، بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد آنچه اتفاق افتاد، نه قابل تعمیم به کلیت دانشگاه‌هاست و نه می‌توان آن را به «جنبش دانشجویی» نسبت داد. آنچه در برخی دانشگاه‌ها مشاهده شد، مربوط به عده‌ای بسیار محدود بود؛ به‌گونه‌ای که اگر تعداد این افراد در دانشگاه‌هایی مانند دانشگاه تهران، صنعتی امیرکبیر یا صنعتی شریف با جمعیت کل دانشجویان این مراکز مقایسه شود، روشن می‌شود که با اقلیتی اندک مواجه هستیم. بنابراین، تعمیم خطاها، تخلفات یا رفتارهای خلاف قانون و حتی خلاف امنیت ملی این افراد به بدنه گسترده دانشجویان کشور، تحلیلی نادرست خواهد بود. نکته مهم‌تر، پیشینه تاریخی جنبش دانشجویی ایران است. این جنبش از ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲، هویت خود را با استکبارستیزی و مقابله با سلطه آمریکا تعریف کرده است. از همان مقطع، دانشجویان در دانشگاه تهران و دیگر مراکز علمی کشور به‌عنوان پیشگامان مبارزه با حکومت سلطنتی شناخته شدند. در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ نیز بسیاری از دانشجویان دانشگاه‌های تهران، شریف و پلی‌تکنیک (امیرکبیر) در مسیر مبارزه با رژیم پهلوی بازداشت، شکنجه و حتی به شهادت رسیدند. جنبش دانشجویی ایران، بیش از نیم‌قرن پیش، در همین دانشگاه‌ها پرچم مبارزه با استبداد سلطنتی و دفاع از جمهوریت را برافراشت. بر این اساس، اگر امروز عده‌ای بسیار معدود ـ که حتی نسبت آنان به جمع کل دانشجویان کشور به یک‌هزارم هم نمی‌رسد ـ شعارهایی در تعارض با این پیشینه تاریخی سر دهند، این رفتار را نمی‌توان ادامه جنبش دانشجویی دانست بلکه باید آن را حرکتی ارتجاعی و خلاف مسیر تاریخی این جنبش تلقی کرد. بازگشت به الگوی سلطنت مطلقه یا گرایش به آمریکا، در تقابل با مسیری است که جنبش دانشجویی طی هشت دهه گذشته پیموده است. از منظر تحلیلی نیز، این پدیده را نمی‌توان یک حرکت آگاهانه اجتماعی یا حتی یک کنش فردی مبتنی بر شناخت دانست. اگر مدافعان الگوی پهلوی بتوانند ویژگی‌های مثبت آن رژیم را تبیین کنند و تصویری روشن از آینده مطلوب خود ارائه دهند، می‌توان آن را موضوع بحث جامعه‌شناختی قرار داد اما مسأله اینجاست که بسیاری از این افراد حتی قادر به توضیح الگوی مطلوب و آرمانی مورد ادعای خود نیستند. ناتوانی در تبیین چرایی مخالفت با جمهوریت و ترجیح نظام سلطنتی مطلقه، نشان می‌دهد با یک جریان فکری منسجم مواجه نیستیم. در این میان، نقش فضای مجازی ولنگار ـ به‌ویژه شبکه‌هایی مانند اینستاگرام ـ قابل تأمل است. برخی از این افراد، سال‌ها در معرض بمباران رسانه‌ای یکسویه قرار گرفته‌اند و اکنون واژگانی را تکرار می‌کنند که حتی معنای دقیق آنها را نیز نمی‌توانند توضیح دهند. رفتارهایی همچون اهانت به مقدسات، پاره کردن نمادهای مذهبی دانشگاه یا اهانت به پرچم جمهوری اسلامی، بیش از آن‌که نشانه یک جنبش اجتماعی باشد، بیانگر نوعی رسانه‌زدگی و تأثیرپذیری غیرنقادانه است. از سوی دیگر، رفتارهای مشاهده‌شده حتی با هنجارهای اجتماعی نیز همخوانی نداشت. در فرهنگ ایرانی، چهلم و بزرگداشت درگذشتگان با سوگواری و احترام همراه است، نه با شادی، کف‌زدن یا رقص. بنابراین، چنین کنش‌هایی را نمی‌توان در چارچوب یک رفتار اجتماعی مرسوم تحلیل کرد. این اقدامات نه در قالب یک جنبش اجتماعی قابل تعریف است و نه حتی یک کنش فردی آگاهانه و مسئولانه. برآیند آنچه رخ داد، نشان می‌دهد با حرکتی محدود، غیرمنسجم و متأثر از فضای رسانه‌ای مواجه هستیم؛ رخدادی که نه نماینده بدنه دانشگاه‌های کشور است و نه امتداد تاریخی جنبش دانشجویی ایران. دانشگاه، محل جست‌وجوی دانش و اندیشه است و حفظ‌شان و جایگاه آن، مستلزم فاصله گرفتن از رفتارهای هیجانی و ناهنجار است.

یادداشت

دکتر بیژن عبدالکریمی | استاد دانشگاه

## دانشگاه و دومین شکاف تمدنی

آنچه که در روزهای گذشته، در برخی دانشگاه‌ها شاهد بودیم یک پدیده اجتماعی پیچیده است و به هیچ‌وجه نمی‌توان آن را به صورت تک‌عاملی و ساده تحلیل کرد. ما با یک تروما ی اجتماعی -تاریخی مواجه هستیم؛ این زخم تاریخی صرفا جنبه سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی ندارد، هرچند همه این عوامل در آن دخیل‌اند. درواقع، ما با دومین شکاف تمدنی خود روبه‌رو هستیم. اگر ظهور مدرنیته نخستین شکاف تمدنی را میان سنت و جهان معاصر ایجاد کرد، درحالی‌که هنوز خود را با آن شرایط وفق نداده بودیم، اکنون با جهان پسامدرن مواجه شده‌ایم؛ جهانی که خودِ عالم مدرن را نیز به بخشی از جهان کهن تبدیل کرده است.

جامعه و نظام دانشی ما به لحاظ ذهنی، فکری، وجودشناختی، متافیزیکی و فلسفی آمادگی رویارویی و مواجهه با این شرایط تازه را نداشته است. وقتی از جامعه سخن می‌گوییم، مراد مجموعه نهادهای سیاسی، روحانیت، دانشگاه‌ها و جریان روشنفکری است. در کنار این وضعیت، با مشکلات سیاسی و نظامی متعددی نیز روبه‌رو هستیم؛ دشمن تا آستانه درِ خانه ما آمده و شرایط را پیچیده‌تر کرده است. در حالی که شرایط پیچیده است، ذهن‌ها ساده‌اند و بسیاری از کنشگران در عرصه‌های مختلف مسائل را تک‌بعدی می‌بینند، بر یک وجه تکیه می‌کنند و وجوه بی‌شمار دیگر را نادیده می‌گیرند.

جامعه ما به‌شدت نیازمند افرادی است که بتوانند همه مسائل را با هم ببینند؛ هم خطرات ژئوپولیتیک و امنیتی کشور را درک کنند و هم به کف خیابان بنگرند، فاصله طبقاتی و ناامیدی و بی‌افقی بخشی از جوانان را درک کنند. با شرایطی مواجه هستیم که بسیاری از جوانان نه شغل دارند، نه مسکن، نه امکان ازدواج؛ میلیون‌ها مجرد مطلق وجود دارد که نه امکان ازدواج دارند و نه حتی می‌توانند به آن فکر کنند.

در چنین وضعیتی، از جامعه چه انتظاری می‌توان داشت؟ میزان تاب‌آوری جوانان تا چه اندازه است و تا چه حد می‌توان به گفتاردرمانی بسنده کرد؟

به باور من، پس از حوادث هجدهم و نوزدهم دی‌ماه که جامعه ایران شاهد خشونتی بی‌سابقه بود. هرچند عوامل خارجی و داخلی هر دو در آن دخیل بودند و گسست‌های داخلی زمینه سوءاستفاده خارجی‌ها را فراهم کرد. ما به‌شدت نیازمند بازنگری در تمامی ارکان حیات سیاسی و اجتماعی خود هستیم؛ در عرصه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و رسانه‌ای. با این حال، جای بسی تأسف است که بسیاری از کنشگران، اعم از دولت، روشنفکران، دانشگاهیان، حوزویان، و حتی جنبش دانشجویی، دچار نوعی لختی شده‌اند و تحرکی درخور این وضعیت مشاهده نمی‌شود. این وضعیت نگران‌کننده است.

دولت با همان فرمان اقتصادی پیش می‌رود و کشور قربانی گروهی اقلیت الیگارشی می شود. حاکمیت نیز با همان رویکرد امنیتی سابق حرکت می‌کند. نهادهای کشور نیازمند بازسازی حیات اجتماعی خود هستند؛ در غیر این صورت، استقلال سیاسی، دستاوردهای انقلاب، تمامیت ارضی و ثمره خون شهدا در سایه این شکاف‌ها آسیب خواهد دید.

از این رو، در این شرایط حساس برای تقویت جبهه مقاومت پیشنهاد من شکل‌گیری فوری اتاق‌های جنگ رسانه‌ای، جنگ فرهنگی و جنگ اقتصادی است. وقتی از تغییر ساختار سیاسی سخن می‌گویم، مرادم تسلیم نیست؛ بلکه معتقدم برای تداوم مقاومت باید بازنگری اساسی صورت گیرد. درگیری ما با غرب به این یک هفته و دو هفته و یک ماه و دو ماه نیست؛ این درگیری ممکن است سال‌ها ادامه یابد و اگر با همین سیاست‌های کنونی پیش برویم، جامعه خسته‌تر و شکاف اجتماعی عمیق‌تر خواهد شد. ما نیازمند بازنگری بنیادین هستیم.

متن کامل

متن کامل را در «جام جم آنلاین» بخوانید

یادداشت

احمد میراحسان | نویسنده و پژوهشگر

## ساختارزدایی جولانی‌های ایرانی

منظور از جولانی‌های ایرانی، مزدبگیران مستقیم و آشکار، کسانی چون رضا پهلوی، مریم قجر، دلقک‌های خرده‌ریز دیگر و یا افراد دست‌چندم سوخته و نیروهای تراریخته دیگر نیست؛ این حشرات پخش‌وپلا در بی‌بی‌سی و ایران‌اینترنشنال و گروهک‌های تروریستی تجزیه‌طلب، این قارچ‌های سمی، چپ آمریکایی، پژاک و کومله و نیز داعش‌های ایرانی، جندالشیطان و صهیونیست‌های جدیدالولاده مزدور، قدوقواره اینها در میزانی نیست که برای ایران خطری جدی تلقی شوند. آمریکا از اینها برای گرم‌کردن معرکه جنایت استفاده می‌کند. نامزد دلخواه آمریکا فعلا در محاق قد می‌کشد اما جولانی‌های ایرانی کسان دیگری هستند؛ کسانی نه برای حکمرانی بلکه برای ایفای نقش جولانی همین‌حالا وقتی که نقش‌شان وانموده عدم مشروعیت جمهوری اسلامی و کاشتن تخم یک حکومت جدید و عادی‌سازی این خواست است. بدون کمترین احتمال تحقق چنان حکومتی خارج از اراده آمریکا، اراده‌ای که در گفتار نفی و در کردار درخواست می‌کنند؛ و آنچه را که با دست پس می‌زنند و با پا پیش می‌کشند، یعنی نقشه صهیونیست‌ها با میداندار شیطان بزرگ، کدخدایی که با جهالت می‌پندارند اینان را جایگزینی قابل اعتنا می‌داند و خریدار طنازی‌ها و دلبری‌های‌شان است. به‌نظرم جولانی‌های ایرانی که آمریکا دارد مثل یک گاو شیرده از وجودشان بهره می‌کشد، همین صاحبان بیانیه‌های ۱۴امضایی، ۱۷امضایی، ۱۸۶امضایی، ۱۸۴امضایی و ۱۴۰۰امضایی هستند. چرا این‌ها جولانی هستند؟ اینان که ظاهرا حساب‌شان از سلبریتی‌های مبتذل جداست. ورزشکاران و کارگردان‌هایی که به‌وسیله آمریکا و اسرائیل کارگردانی می‌شوند، با وساطت هالیوود و اسکار و کن و برلین و ونیز و همچنین از بازیگران و مجریان حال‌به‌هم‌زن و رسوای شبکه‌های اجنبی. کسانی که اسم و رسم دارند، سیاست‌مدارانی که روزی وجیه‌الملّه و رئیس‌الدوله انقلابی و وزیر و وکیل رادیکال بودند و نیز روشنفکران و تحصیل‌کرده‌ها و استادان نامدار دانشگاه‌های غرب و ایران که برای چنین روزی پرورش‌شان دادند، سروش و قادری و پروردگان این متفکران، در کانون سیاست‌بازی رادیکال، از میرحسین موسوی و زهرا رهنورد تا کمیته سیاسی جبهه اصلاحات و نوع کمی شرم‌زده‌ترشان، حضرت خاتمی و پشت‌صحنه ایشان.

متن کامل

متن کامل را در «جام جم آنلاین» بخوانید

یادداشت

محسن پاک‌آیین | دیپلمات پیشین

## توافق منصفانه نیازمند صداقت آمریکا

احتمالا روز پنجشنبه دور بعدی مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا برگزار خواهد شد؛ مذاکراتی که از هم‌اکنون پرسش‌های متعددی را درباره امکان دستیابی به توافق در افکار عمومی ایجاد کرده است. واقعیت آن است که رسیدن به توافق، در گروی وجود اراده سیاسی از سوی دو طرف برای استفاده از فرصت دیپلماسی است.

مطالبات جمهوری اسلامی ایران کاملا روشن است. چه در مذاکرات پیش از جنگ ۱۲ روزه و چه در گفت‌وگوهای اخیر، ایران با طرح و برنامه‌ای مشخص، جدیت و با اتکا به استدلال و منطق وارد میدان مذاکره شده است. تهران اعلام کرده اگر مطالبه طرف آمریکایی عدم حرکت ایران به‌سمت ساخت سلاح هسته‌ای باشد، آمادگی دارد به‌صورت نظری و عملی طرف مقابل را در این زمینه متقاعد کند. درمقابل، مطالبه جدی جمهوری اسلامی ایران، لغو کامل تحریم‌ها بدون امکان بازگشت آنها در آینده است. همچنین ایران درباره موضوعات غیرهسته‌ای مذاکره نخواهد کرد و استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را حق مسلم خود می‌داند.

در سوی مقابل، متاسفانه نوعی تناقض مشاهده می‌شود. هرچند در پشت میز مذاکره تلاش می‌شود صرفا بر موضوع هسته‌ای تمرکز شود و مباحثی نظیر توانمندی‌های دفاعی یا نفوذ منطقه‌ای ایران مطرح نشود اما معمولا پس از مذاکرات یا حتی در حین آن، اظهارات و اقداماتی صورت می‌گیرد که با مواضع اعلامی در میز مذاکره مغایرت دارد. طرح ضرب‌الاجل‌هایی که از سوی ایران پذیرفته نیست یا تلاش برای اعمال فشار از طریق آرایش نظامی در منطقه، از جمله این موارد است. هرچند جمهوری اسلامی ایران آمادگی دارد مذاکرات هرچه‌سریع‌تر به نتیجه برسد اما این شتاب نباید به ابزاری برای تحمیل فشار و گرفتن امتیاز تبدیل شود. حضور ناوها یا فرماندهان نظامی در منطقه نیز موضوع تازه‌ای برای ایران نیست و پاسخ مقتضی به این اقدامات داده شده است. به‌اعتقاد نگارنده، دستیابی به یک توافق خوب، در صورت وجود اراده واقعی از سوی طرفین، می‌تواند در زمانی کوتاه محقق شود؛ مشروط بر آن‌که از ارعاب، دخالت در امور داخلی ایران و طرح موضوعات غیرقابل‌قبول برای تهران پرهیز شود. اراده لازم در ایران برای رسیدن به توافق اصولی و منصفانه وجود دارد اما این مسیر نیازمند رفتار متوازن و صادقانه طرف مقابل است.

متن کامل

متن کامل را در «جام جم آنلاین» بخوانید